

چکیده

## کارکردها و وظایف شبیه‌گردان



محمدحسین ناصر بخت

دانشجوی مقطع دکترای پژوهش هنر

دانشگاه تربیت مدرس زیر نظر دکتر مجتبی انصاری

پرتال جامع علوم انسانی  
رویش گاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

شبییه خوان: نقش خوان، نقش پوش (بازیگر) شبیه خوانی که در هنگام اجرا به طرق گوناگون فصله خود را با نقش گوشزد می‌نماید.

مجلس: اسم مکان که ضمناً در کلیه نمایش‌های ایرانی به کلیت یک اجرا نیز اطلاق می‌شود.

شبییه گردان: کسی که وظیفه گرداندن یک مجلس شبیه‌خوانی بر عهدهٔ اوست، تعزیه گردان، اداره‌کننده مجلس (شبییه کارگردان در تئاتر).



مجلس

یا شبیه‌خوانی به معنای خواننده است که در مجلس (یا شبیه‌خوانی) در حین اجرا به طرق گوناگون فصله خود را با نقش گوشزد می‌نماید.

مجلس: اسم مکان که ضمناً در کلیه نمایش‌های ایرانی به کلیت یک اجرا نیز اطلاق می‌شود.

شبییه گردان: کسی که وظیفه گرداندن یک مجلس شبیه‌خوانی بر عهدهٔ اوست، تعزیه گردان، اداره‌کننده مجلس (شبییه کارگردان در تئاتر).

پرتال جامع علوم انسانی

در اینجا و البته به دریاچه نیست (پس آن) دریاچه را باقی می‌ماند تا ابد است  
 دریاچه را به دریاچه را باقی می‌ماند تا ابد است  
 دریاچه را به دریاچه را باقی می‌ماند تا ابد است  
 دریاچه را به دریاچه را باقی می‌ماند تا ابد است  
 دریاچه را به دریاچه را باقی می‌ماند تا ابد است  
 دریاچه را به دریاچه را باقی می‌ماند تا ابد است

### چکیده

تعزیه (شبه خوانی) نمایشی مقدس است که از دل مراسم عزاداری شیعیان بر امام سوم خود، امام حسین (ع)، که در دوران صفویه با رسمیت یافتن مذهب شیعه در ایران عمومیت یافت، بیرون آمده و در دوران قاجاریه به ارج تکامل خویش رسید و با توجه به این که هنر نمایش، هنری ترکیبی است این نمایش نیز مانند تمام اشکال شناخته شده نمایشی در جهان دارای عوامل و اجزائی است که شناسائی وظایف و کارکردهایشان برای رسیدن به شناختی علمی از این هنر مقدس، که لازمه طرح در محیط‌های علمی و آموزشی است، ضروری به نظر می‌رسد.

نوشته حاضر در ادامه تلاش‌هایی که برای تبیین اصول و قواعد این هنر انجام شده است، شناسائی نقش "شبه گردان"، که یکی از عوامل اصلی اجرای "شبه خوانی" است را مد نظر قرار داده و وظایف و کارکردهای وی را در ارتباط با سایر عوامل و اجزاء یک مجلس، با توجه به تجزیه و تحلیل نمونه‌های گزارش شده در منابع موجود و مشاهدات نگارنده، طبقه‌بندی می‌نماید.

### کلمات کلیدی

شبه خوانی: اصطلاحی است که دست‌اندرکاران تعزیه با توجه به شکل و اجرای مجالس و فاصله‌گذاری موجود در آن به این نمایش اطلاق می‌نمایند.



## مقدمه

صحنه، صحنه "تعزیه" است و مردی با پیراهن مشکی در کنار شبیه خوانان بر سکو و پای آن به این سو و آن سو می رود، گاه تماشاگران را مرتب می کند، گاه با گروه موسیقی سخن می گوید و گاه شبیه خوانان را یاری می دهد.

او کیست؟ مردی که همه سخنانش را به گوش می گیرند و حضور دائمی اش در صحنه لطمه ای به اجرا نمی زند؟

دیر زمانی است که مطالعه و استخراج اصول و قواعد نمایش های سنتی ایران ذهن نگارنده را مشغول داشته است، تقریباً از ابتدای آشنائی ام با هنر نمایش که از دوران نوجوانی ام آغاز شده است، این گونه نمایش ها که به علت پیوند تنگاتنگ شان با آداب و رسوم مردم نخستین فرصت های آشنائی علاقمندان با هنر نمایش را فراهم ساخته اند همیشه جذابیتی فراوان برای من داشته اند و شاید به همین دلیل بود که وقتی فعالیت و تحصیل در زمینه هنر نمایش را آغاز نمودم یکی از دلمنغولی های اصلی ام پرداختن به این گونه نمایش ها شد. خصوصاً وقتی که با "کانون نمایش های سنتی و آئینی" آشنا شده و در واحد تحقیقات آن مشغول به کار شدم، اما از همان ابتدای آغاز مطالعه در زمینه این گونه از نمایش ها، متوجه این نکته شدم که در اکثر تحقیقات انجام شده تنها به بحث پیرامون تاریخچه و چگونگی شکل گیری این

نمایش‌ها و گاه گزارش آنچه بر صحنه می‌گذرد، و معرفی و تصحیح برخی از نسخ بسنده گردیده است و پژوهشگران محترم در زمینه دسته‌بندی کردن مشاهدات، مدارک و اطلاعات گرد آمده و استخراج اصول و قواعد آن، چنانکه قابل استفاده برای اصحاب نمایش در روزگار معاصر، که بادستاوردهای تئاتر جهان از طریق تحصیلات دانشگاهی آشنا می‌شوند، نیز باشد، پرهیز نموده‌اند و به همین سبب به سهم خویش در دوران تحصیلات دانشگاهی و فعالیت در کانون کوشیدم که با تون اندک خود ذره‌ای از این نقص را برطرف نمایم که حاصل آن پژوهش‌های: "صحنه و لباس در نمایش‌های سنتی" (رساله لیسانس) و "اصول و قواعد بازیگری (نقش‌پوشی) در شبیه‌خوانی" و تعدادی مقاله در عرصه‌های گوناگون از معرفی نسخ تا بحث پیرامون نشانه‌شناسی تعزیه بوده است که نوشته حاضر در مورد کارکردها و وظایف شبیه‌گردان در تعزیه نیز در ادامه این مسیر طراحی و عرضه می‌گردد.

در این پژوهش ابتدا با استفاده از روش‌های گوناگون جمع‌آوری اطلاعات (مطالعه کتابخانه‌ای، مشاهدات میدانی و مصاحبه) سوابق گزارش‌ننده در متون مکتوب و همچنین مشاهدات شخصی نگارنده و پیش‌کسوتانی که خود در این زمینه فعالیت داشته‌اند، در مورد موضوع مورد بررسی، جمع‌آوری شد؛ و پسر از دسته‌بندی و تحلیل اطلاعات بر اساس نمونه‌های موجود (مورد مشاهده و گزارش شده) از طریق روش "تحلیل محتوی" سعی شد تا به هدف خود، که "استخراج کارکردها و وظایف شبیه‌گردان" در ارتباط با یک گروه شبیه‌خوانی بود، دست یابم.

شبیه‌گردان کیست؟

«شبیه‌گردان» یا، آنچنان که در زمان تعزیه‌گردان معروف دوران «ناصرالدین شاه» رایج گشته است، «معین‌البکاء»<sup>(۱)</sup> که شبیه‌خوانان «استاد»ش نیز می‌خوانند یکی از جالبترین موضوعاتی است که در حین تحقیق راجع به این «نمایش بومی پیشرو ایران»<sup>(۲)</sup> می‌توان به آن پرداخت. «شبیه‌گردان» فردی است که اجرای یک مجلس تعزیه به وجود وی وابسته است. او در واقع هماهنگ‌کننده و برپا دارنده مجلس

۱- منظور «میرزا باقر» تعزیه‌گردان معروف مجالس «تکیه دولت» که توسط ناصرالدین شاه مملف به «معین‌البکاء» شده است.

البته شایان ذکر است که برخی از محققین و همچنین بسیاری از دست‌اندرکاران شبیه‌خوانی معتقدند که عنوان «معین‌البکاء» را به هر شبیه‌گردانی نمی‌توان اطلاق نمود، زیرا معین‌البکاء کسی است که علاوه بر انجام وظایف مربوط به یک شبیه‌گردان ضمناً «نسخه‌دان» نیز هست. اکثر مجالس شبیه‌خوانی را می‌شناسد و با نحوه اجرای هر یک از آنها آشناست و با توجه به اینکه اساساً شبیه‌خوانی نمایشی متکی بر قراردادهاست تمامی دقیق‌اجرایی هر یک از این مجالس و شگردهایی را که باید در اجرای آنها به کار برد را در حافظه خود دارد. در واقع او «پاسدار و حافظ این قراردادهای مقدس» به شمار می‌آید و با هرگونه تخلفی از آنها به شدت برخورد می‌نماید، چون «تقدس قراردادهای» در تمامی هنرهای سنتی به عنوان اصلی مسلم پذیرفته شده است.

۲- این عنوان مقاله‌ای است که توسط «پیتر چلکووسکی» محقق آمریکایی نوشته شده است. شایان ذکر است که این نگاه ناثیدآمیز تنها منحصر به نویسنده فوق‌الذکر نبوده و تقریباً تمامی محققین و سفرنامه‌نویسان غربی که از دوران صفویه به بعد به ایران گام نهاده‌اند و به تعزیه اشاره‌ای داشتند با این نظر موافق هستند از جمله «سرلویس پلی» که در پیشگفتار کتاب خود «تعزیه حسن و حسین (ع) - لندن ۱۸۷۳ - جلد اول» می‌نویسد: «اگر موفقیت یک نمایش به میزان تأثیراتی باشد که در خوانندگان و یا تماشاگران خود می‌گذارد، هیچ نمایشی تاکنون موفق‌تر از نرزدی جهان اسلام یعنی نرزدی حسن و حسین (ع) نبوده است.» (پیتر چلکووسکی - «تعزیه هنر بومی پیشرو ایران» - داود حانمی - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - ۱۳۶۷ - صفحه ۳).

است. اما در عین حال حضور دائمی اش در صحنه از سوی تماشاگران نادیده انگاشته شده و این مطلب چون قراردادی ثابت از سری آنان مورد پذیرش قرار گرفته است. در این زمینه "ساموئل گرین ولر بنجامین" نخستین سفیر ایالات متحده آمریکا در ایران، که در سال‌های (۱۸۸۲-۱۸۸۵) در این سرزمین حضور داشته و از تعزیه‌های برپا شده در "تکیه دولت" دیدار نموده است، در میان یادداشت‌های خود اشاراتی دارد که به خصوص با توجه به بیگانگی با فرهنگ ایرانی بسیار جالب‌اند، او می‌نویسد:

«.....شخص ناظمی، مراقب ترتیب و نظم تعزیه است، و با کمال بی‌اعتنائی به روی سکو راه رفته، به بعضی تعزیه‌خوان‌ها دستورالعمل می‌دهد، و بچه‌ها را که در جای خود درست قرار نگرفته بودند به تحت نظم درمی‌آورد، نیز در سر موقع دستورالعمل می‌دهد که موزیک بزنند یا آن را موقوف کنند. اما خیلی عجیب است که بعد از اندک زمانی، تعزیه، به طوری دقت موا جذب نمود که این ناظم دیگر به نظر من نیامد، مثل این بود که در آنجا وقایع تعزیه خاطر مرا به طوری مشغول ساخت که فراموش کردم در اینجا هیچ اسباب و اوضاع تئاتر حاضر نیست.»<sup>(۱)</sup>

'معین‌البکاء' معمولاً خود شبیه‌خوانی است کهنه‌کار که به دلیل تجربه فراوان به تمامی ذقایق و ظرایف موجود در مجالس تعزیه مسلط بوده و تعزیه‌خوانان در مورد چگونگی برگزاری مجلس شبیه‌خوانی وی را صاحب نظر می‌دانند<sup>(۲)</sup>، گفته

۱- صادق همایونی 'تعزیه در ایران' - نوید شیراز - بهار ۱۳۶۸ - صفحه ۱۰۲ (به نقل از 'ایران و ایرانیان' ساموئل گرین ولر بنجامین - رحیم‌زاده ملک - ۱۳۶۳ - صفحات ۴۲۸-۴۲۶).

۲- با به نوشته عنایت‌الله شهیدی محقق معاصر در برخی از موارد به ویژه در تکاپای دولتی متعزله به اعیان و اشراف تعزیه‌گردانی به فردی از منصوبین واگذار شده است که البته حتی در این موارد نیز فرد مورد نظر معمولاً نسبت به امور مربوط به شبیه‌خوانی آشنائی داشته و در هنگام نیاز از مشاوران مطمع سود می‌برده است. (نک: عنایت‌الله شهیدی - 'بزرهشی در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره فاجار در تهران' - دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری



می‌شود که در گذشته بعضی از تعزیه‌گردانان خود از سرایندگان مجالس نیز بوده‌اند، "بهرام بیضائی" در این مورد می‌نویسد: «... آنها شاعر و کارگردانی مورد احترام بوده‌اند و اغلب در نمایش‌ها از طرف شاه یا بزرگان به ایشان پاداش‌های حضوری داده می‌شد. چندتائی از اینها عبارتند از: خواجه حسیتعلی‌خان معاصر تحعلی شاه و محمد شاه، میرزا محمد تقی تعزیه‌گردان متعلق به عهد محمد شاه و ناصرالدین شاه و پسرش میرزا باقر مقلب به معین‌البکاء که هر دو تعزیه‌گردان‌های رسمی تکیه دولت بوده‌اند، سید عبدالباقی بختیاری که دسته تعزیه‌ای داشته و در اصفهان و بختیاری و شیراز تعزیه‌گردانی می‌کرده، سید مصطفی مبرعا که از عهد ناصرالدین شاه تا عصر محمد شاه در کاشان و طهران و حتی تکیه دولت تعزیه‌گردانی کرده است و پسرش آقا سید کاظم میرغم مربوط به محمد شاه به بعد.»<sup>(۱)</sup>

"شبیه‌گردان" کارگردان، از آن سنخ که در تئاتر غرب وجود دارد، نیست زیرا اصولاً نمایش در شرق، و به ویژه تعزیه، دارای خصوصیات کاملاً متفاوت با تئاتر غربی است و با این اختلافات بیش از هر چیز ریشه در اندیشه‌های دارد که خاستگاه این پدیده‌های فرهنگی هستند. برخلاف اندیشه غربی که همواره تغییر جهان را مد نظر داشته، اندیشه شرقی خواهان این دگرگونی نیست و در نتیجه آنچه که "ویلیام آ. بیمن" می‌نویسد: "نمایش آسیایی زمانی موفق است که بتواند در تماشایگران این فکر را پدید آورد که جهان دارای نظم است و وقوع رخدادها چنان است که باید باشد، و به رغم مصائب و شداید در وقوع رخدادهای متغیر، تنها اخلاق دارای ثبات است."<sup>(۲)</sup> از جمله خصوصیات بارز این نوع نمایش اساسی بودن نقش بازیگر در آن است، تعزیه نیز همچون سایر نمایش‌های شرقی، از جمله "کابوکی" و "نو" ژاپنی، "اپرای پکن" (کینگ نیائو) چینی و "کاتا کالی" هندی، قبل از هر چیز "نمایش بازیگر" است

۱- کمیسیون ملی بونسکو در ایران - تهران - ۱۳۸۰ - صفحه ۳۴۶.

۱- بهرام بیضائی - "نمایش در ایران" - ۱۳۴۳ - صفحه ۱۴۱.

۲- تعزیه هنر بومی ایران - صفحه ۵۴.

و نه "کارگردان"، یا حتی "متن". زیرا تماشاگر از قبل با داستانی که به روی صحنه می‌آید کاملاً آشناست و در زمینه اجرا نیز قراردادهای از پیش تعیین شده جنان حکومت می‌کنند که وجود شخصی بدون کارگردان غربی اصولاً لازم به نظر نمی‌رسد و به همین دلیل است که در میان این گونه نمایش‌ها "تعزیه" ایرانی به سبب حضور مؤثر "تعزیه‌گردان"، که البته تفاوت‌هایی اساسی با نقش کارگردان در تئاتر غربی دارند، به یک استثناء بدل می‌گردد. در مورد علت وجودی این شخص و نحوه شکل‌گیری آن "بیضائی" می‌نویسد: «..... فکر لزوم به یک رهبر ناظر و تعیین‌کننده در این کار بزرگ و جمعی گویا از دوره نمایشهای دفیله‌ای دسته‌ها آغاز شده بود، کارگردان دسته‌ها را "سردم دار" می‌خوانند، همانطور که اهمیت متن در دسته‌های بیشتر می‌شد اهمیت شاعر مرثیه‌سران نیز به عنوان سراینده، و هم تعلیم دهنده طرز فواید، و هم تعیین‌کننده دستگاه موسیقی مناسب و نوع آواز و غیره بیشتر شد، تا آنجا که به عنوان "استاد" حین تکامل تدریجی تعزیه وظایفش کامل گشت.»<sup>(۱)</sup>

"شبه‌گردان" نه تنها وظیفه "قصه‌گویی" نمایش‌های شرقی را به جای می‌آورد بلکه بسیاری از وظایفی که در تئاتر غرب به عهده مدیر صحنه، طراح صحنه، سوفلور و..... است را نیز انجام می‌دهد، او حتی تماشاگران مجلس را نیز هدایت می‌کند.<sup>(۲)</sup> زیرا "معین‌البکاء" در واقع رهبر یک دسته عزاداری است و چنان‌که در لقب وی نیز مستتر است قسمتی از یک مراسم آئینی و مذهبی را هدایت می‌نماید که هدفش برانگیختن احساس همدردی با اولیاء و از این طریق طلب شفاعت و پاداش

۱- نمایش در ایران - صفحه ۱۴۲.

۲- حضور و وجود شبه‌گردان را گروهی به یکی از عوامل نمایش‌های قرون وسطایی اروپا، که در فرانسه "متدوژو" Metevrdu Jeu یا "استاد بازی" نامیده می‌شده، دانستند. اما متأسفانه در مورد این عنصر اجرایی تئاتر قرون وسطی نیز اطلاع چندانی در دست نیست و با توجه به نوع اجراهای نمایشی این دوران از تاریخ تئاتر احتمالاً مستثنا او به گستردگی وظایف تعزیه‌گردان نبوده است.

اخروی برای شرکت‌کنندگان است و همین هدف مقدس است که در تمامی زمینه‌های فعالیتش چگونگی و نحوه عمل او را تحت تأثیر قرار می‌دهد.

البته قابل ذکر است که نقش شبیه‌گردان به ویژه در اجرای "مجالس غریب"<sup>(۱)</sup> آشکار می‌شود. زیرا در "مجالس آشنا"<sup>(۲)</sup> همه چیز برای شبیه‌خوانان و تماناگران روشن است و در مجالس غریب است که هنرهای تعزیه‌گردانان مهارت خود را نشان می‌دهند. به همین دلیل نیز در نگارش مقاله حاضر و دسته‌بندی رظایف شبیه‌گردان دیدار اجزاهای این قبیل مجالس بسیار راهگشا بوده‌اند هر چند که کوشش شده تا از مثال‌هایی استفاده شود که فرصت مشاهده‌شان برای همگان مهیاتر است.

### شبیه‌گردان و متن

چنان‌که می‌دانیم متون تعزیه منظوم هستند و توسط شاعرانی، که بیشتر از میان عوام برخاسته‌اند، سروده شده‌اند. این متون بر اساس روایت‌هایی که عمدتاً است از مقاتلی چون "روضه الشهداء"، "طوفان البكاء" و..... است، تنظیم گشته‌اند و در آنها به دلیل اینکه قرار بر اجرای مجلس بوده است بنا به اقتضای موقعیت و فضا از بحور مختلف شعر فارسی استفاده شده و گاه‌گاهی نیز وزن شعر و اصل رعایت قواعد شعری فدای مقتضیات آواز و اجرا گشته است، سرایندگان این متون اغلب خود از دست‌اندرکاران اجرای تعزیه بوده و از موسیقی ایرانی نیز اطلاع کافی داشته‌اند که از جمله این افراد می‌توان به "میرزا محمدنقی تعزیه‌گردان" و پسرش "میرزا باقر معین‌البكاء"، که نسخ "تکیه دولت" منسوب به ایشان است، و همچنین "سید مصطفی میرعزای کاشانی"، که نسخ زمینه‌کاشان وی از معروفترین نسخ تعزیه است

---

۱- مجالس "غریب" در میان دست‌اندرکاران تعزیه به مجالسی اطلاق می‌گردد که کمتر اجرا می‌شوند، مانند مجلس "جرجیس پیامبر"، "سلبمان و بلقیس"، "شست بستن دیو" و.....

۲- مجالس "آشنا" اصطلاحی است برای معرفی مجالسی که اجراهای فزوانی دارند و به ویژه در ماه‌های محرم و صفر و مناسبت‌های خاص مذهبی در نقاط گوناگون اجرا می‌گردند. مانند مجالس "شهادت حضرت علی اکبر" و "شهادت حضرت عباس".

و از شعر معروف "قائنی" در مکالمه بین "شمر" و "یزید"، در مجلس "بازار شام" استفاده مناسبی نمود که موجب شهرت این مجلس گردید، اشاره نمود. این شخص چنان که بنا به ضرورت بعضی قواعد ذمیری<sup>۱</sup> به نفع جنبه‌های نمایشی زیر پا می‌گذاشتند تا مجلس از شور و هیجان و تنوع بیشتری در وزن و موسیقی برخوردار گردد و بر اساس همین سنت است که عده‌ها تعزیه‌گردانان نیز به خویشتن اجازه می‌دهند تا به اقتضای موقعیت مجلس در نسخ مورد استفاده دست برده و با کوتاه و بلند کردن قطعات و حتی تغییر بعضی از ابیات، برای همراهی بیشتر اهل مجلس، دگرگونی‌هایی را در متن اصلی به وجود آورند که این تغییرات گاه تنها به حذف قسمتی از متن محدود نمی‌شود بلکه تعزیه‌گردان هر جا که لازم دید از سایر مجالس تعزیه و اشعار شعرای ایرانی ابیاتی را به امانت می‌گیرد و با آنها مجلس را گرمتر می‌سازد.<sup>(۱)</sup> در برخی از موارد نیز با توجه به ساختار ویژه متن شبیه‌خوانی، که متشکل از "گوشه‌ها"<sup>(۲)</sup> و "قره‌ها"<sup>(۳)</sup> است، مدت اجرا توسط شبیه‌گردان کوتاه یا بلند می‌گردد زیرا چنان که با دقت در نسخ کامل باقی‌مانده می‌توان مشاهده نمود، این نمایش ساختاری اپیزودیک و زنجیروار برخوردار است که شبیه‌گردان می‌تواند در صورت تشخیص با کم و زیاد کردن قطعات - البته بنا به ضرورت و با توجه به عکس‌العمل مخاطبان و حال و هوای مجلس - آن را کوتاه یا بلند نماید. در همین

۱- در این مورد مقایسه‌ای که بین دو نسخه باقی مانده از یک مجلس با زمینهای مشترک و همچنین منسوب به یک سراینده - مجلس به چاه انداختن یوسف (ع) - توسط نگارنده در فصلنامه تناثر شماره ۶-۸ صورت پذیرفته است خود‌گیری مطلب است.

۲- گوشه را برخی فقه‌های فرعی و گروهی قطعات مستقل (اپیزود مانند) دانسته‌اند که البته برای اطلاعات بیشتر می‌توانند به مقاله "گوشه در تعزیه" نوشته داوود فتحعلی‌بیگی مندرج در فصلنامه تناثر - شماره ۱۴، که همراه با ارائه چند نمونه شاخص به این مطلب می‌پردازد، رجوع کنند.

۳- بخش کوتاهی از یک مجلس یا یک گوشه که حاوی گفتگوهایی کوتاه و یا حرکات خاص نمایشی است را "قره" می‌نامند مثلاً فقره "خندقی کنی" در تعزیه شهادت حضرت عباس (ع).

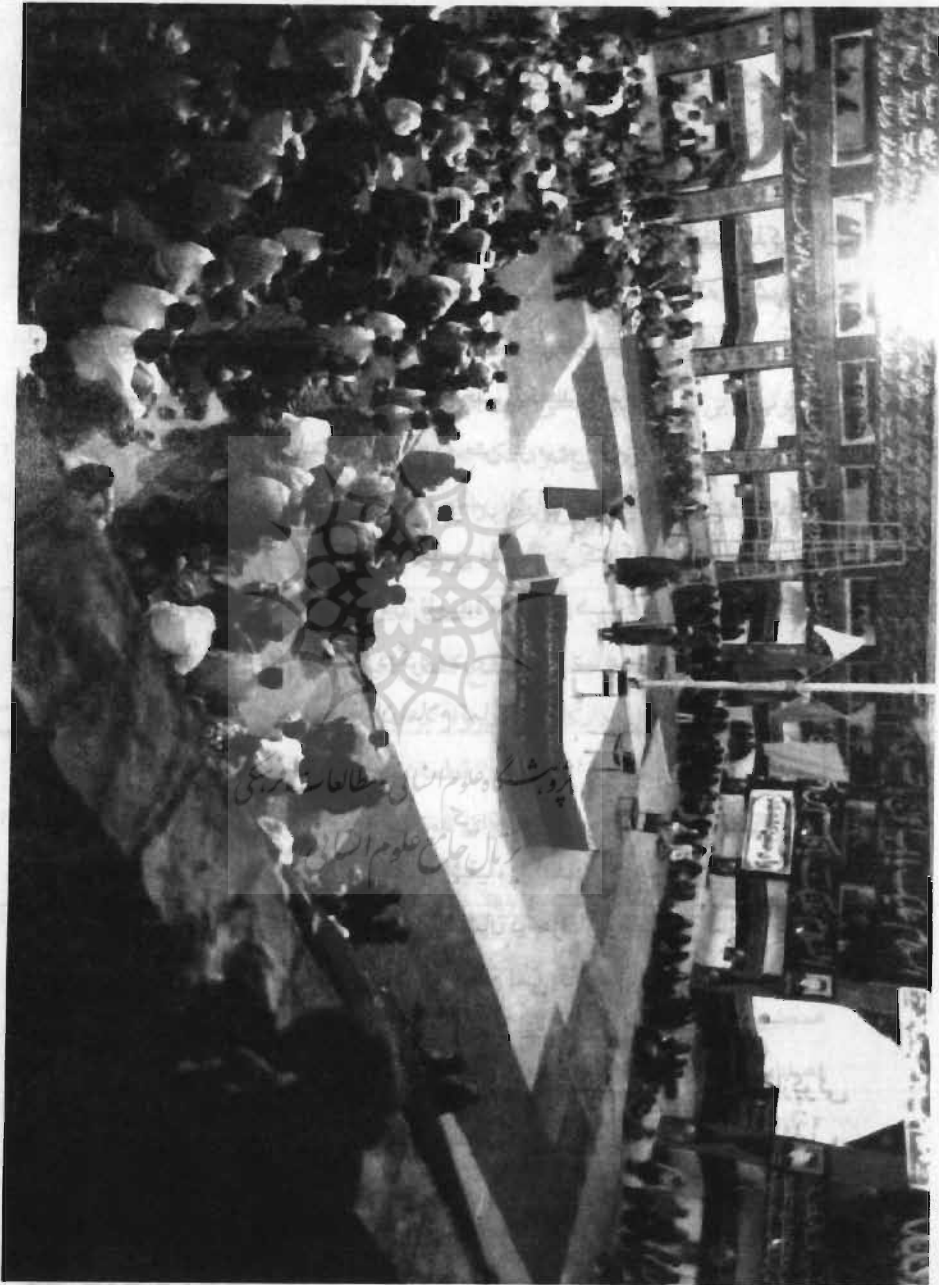
ارتباط بد نیست بدانیم که در گذشته تمامی فردهای مربوط به یک نقش به طرر کامل در اختیار شبیه‌خوان آن نقش قرار نمی‌گرفت بلکه معین‌الیکاء که تک تک فردهای مربوط به نقش‌های گوناگون در گوشه‌ها و قطعات مختلف مجلس را در "شال کمر" داشت، پس از جمع‌آوری فردهای قسمت خوانده شده فردهای بخش بعدی را در اختیار شبیه‌خوانان مربوط قرار می‌داد که این عمل و همچنین تذکر نوبت هر نقش بر اساس فهرست مجلس اصطلاحاً "فهرست‌گردانی" نیز گفته می‌شود، و به این ترتیب با ندادن فردهای مربوط به یک قطعه از مجلس، شبیه‌گردان به آسانی می‌توانست آن را حذف نموده و از طول مجلس بکاهد یا برعکس.

یکی دیگر از وظایف شبیه‌گردان که به متن نیز مربوط می‌شود این است که وی قبل از اجرا بر بالای سکو رفته و داستان مجلس را برای تماشاگران شرح داده و تفسیر نماید و در انتها برای همه حاضرین مجلس طلب خیر کند که این عمل در میان تعزیه‌خوانان اصطلاحاً "حدیث کردن" نامیده می‌شود. شبیه‌گردان همچنین موظف است که اگر قرار بر اجرای مجلس دیگری در روزها، یا ساعت‌های، بعد باشد عنوان مجلس آینده را برای اطلاع مخاطبان اعلام نماید.

#### شبیه‌گردان و شبیه‌خوانان

چنان که قبلاً نیز اشاره شد مهمترین رکن تعزیه، شبیه‌خوانان هستند زیرا آنها با زنده نمودن یاد اولیاء و برخوردارهایشان با اشقیاء در اذهان اهل مجلس فضا را برای به غلیان درآمدن احساس تماشاگران و شرکت‌شان در عزاداری مهیا می‌سازند، که البته این مهم از راه نزدیکی حسی آنان با نقش انجام نمی‌پذیرد زیرا همانطور که "بیمن" می‌نویسد: «..... این نمایش نه بر شخصیت، که بر نقش متمرکز است»<sup>(۱)</sup>

شبیه‌خوان ماجرا را نه از طریق نزدیک شدن به شخصیت بلکه از طریق بازگویی "زبانحال" مجسم می‌سازد که نوعی از روایت ماجرا از زبان سوم شخص می‌باشد و به همین سبب است که برخی از محققین برای بیان آنچه در این نمایش روی می‌دهد



آن را "نمایش زبانحال" نیز نام نهاده‌اند.

به دلیل اهمیت این رکن تعزیه - شبیه‌خوانی - مهمترین وظایف تعزیه‌گردان نیز مربوط به آن است. این وظایف را می‌توان به دو بخش پیش از اجرا و حین آن تقسیم نمود:

### الف) پیش از اجرا

قبل از هر چیز تعزیه‌گردان با توجه به احتیاجات و امکانات مجلس - از نظر مادی و معنوی - شبیه‌خوانان مورد احتیاج خویش را با توجه به شناخت قبلی‌اش از نحوه کار و مهارت - هایشان برمی‌گزیند و نقش‌ها را نیز بر اساس همین شناخت مابین آنان تقسیم می‌نماید. البته چنان‌که می‌دانیم معمولاً نقش‌ها در تعزیه‌خوانی ثابت است. مثلاً کسی که دارای صدائی خوش و قامتی برازنده است همواره "شهادت خوان" یا "اولیاء خوان" است، اما حتی در میان این گروه نیز بعضی در نقشی خاص مانند "عباس خوانی" یا "شبیه حضرت مسلم" تبحر بیشتری دارند و یا معمولاً از میان آنان جوان‌ترین‌شان برای "علی اکبر خوانی" انتخاب می‌گردد.

"سر نسخه" (نسخه اصلی مجلس) را "فهرست" نوبت‌ها نزد شبیه‌گردان است و اگر قرار بر اجرای یک تعزیه "غریب" باشد این اوست که با توجه به تجارب و دیده‌هایش، توضیحات لازم جهت اجرا را به شبیه‌خوانان داده و فردهای آنان را در اختیارشان قرار می‌دهد. در میان گروه‌های نیمه حرفه‌ای تعزیه‌خوان که معمولاً به طور هفتگی و یا ماهانه گرد هم جمع می‌شوند (مانند سایر هیئت‌های مذهبی) و به طور "نشسته" مجلس را می‌خوانند (در واقع بدون لباس و حرکات نمایشی تمرین آشنائی با متن مجلس و موسیقی مناسب آن را می‌نمایند) این تعزیه‌گردان است که مسئولیت اداره جلسه را بر عهده دارد و در مورد شبیه‌خوانان حرفه‌ای نیز باز این اوست که گروه را با یکدیگر هماهنگ می‌سازد.

شبیه‌گردان با "بچه‌خوانان" ایاتی را که باید بخوانند و آهنگ آوازشان را تمرین می‌کند و گروهی را که معمولاً نقش سیاهی لشکر را دارند از میان تماشاگران برگزیده و برای ورود به صحنه، با انتخاب لباس مناسب و گوشزد نمودن حرکات لازم، آماده

می‌سازد. این افراد معمولاً از میان کسانی که برای شرکت در مراسم تعزیه نذر نموده‌اند انتخاب می‌شوند و در این مورد نیز تعزیه‌گردانان با احساس مسئولیت نمودن در مورد اهداف غایی مجلس می‌کوشند تا هیچ‌کس را ناامید نسازند.

ب) حین اجرا:

با توجه به این‌که مانند اکثر نمایش‌های سنتی در جهان، شبیه‌خوانان نیز از طریق آموزش «سینه به سینه»، استاد-شاگردی، و توأم با کار عملی آموزش‌های لازم را برای تسلط بر نقش فرامی‌گیرند و در حین همین اجراهای گوناگون سرانجام در نقشی که مناسب آن هستند اصطلاحاً «جا می‌افتند» و به شکل طبیعی از سوی سایر همکاران و به ویژه تماشاگران مورد پذیرش واقع می‌شوند و همچنین به علت اینکه اساساً با توجه به اجرای مجالس متفاوت در روزهای پیاپی اجرای شبیه‌خوانی امکان صرف وقتی برای تمرین هر مجلس موجود نیست و جلسات هفتگی یا ماهانه‌ای که قبلاً به آنها اشاره شد نیز، در صورت تشکیل، تنها برای آشنائی شبیه‌خوانان با تسخاها و شناسائی گوشه‌های آوازی، به طور اجمالی، تشکیل می‌شود و لذا برای تسلط کامل شبیه‌خوانان بر تمامی وجوه مجالس مورد نظر - به ویژه شیوه اجرا - کافی نیست. می‌توان گفت که تمرین کامل مجلس در حین اجرا به وقوع می‌پیوندد و به نوعی تمرین و اجرای شبیه‌خوانی در هم ادغام می‌گردند که به همین سبب، به خصوص در مورد مجالس غریبی که کمتر خوانده می‌شوند، وظیفه سنگینی بر عهدهٔ شبیه‌گردان، که باید بر تمامی مجال تسلط داشته باشد و با شناخت دقیق و ظرایف آنها شبیه‌خوانان کم تجربه را در مورد چگونگی اجرا راهنمایی کند، است. البته در مجالس آشنا نیز شبیه‌خوانان کم تجربه و بچه‌خوانان محتاج این راهنمایی هستند.

در ارتباط با وظیفه راهنمایی و هدایت مجلس در مسیر درست بد نیست اشاره‌ای کنیم به خاطرات استاد هاشم فیاض در زمینه نحوهٔ اجرای شبیه‌خوانی در تکیه دولت که خود شاهدش بوده است، او می‌گوید: «.....معین‌البکاء معمولاً عصایی در دست داشت که در انتهای آن میخی تعبیه شده بود و با فشردن این میخ بر



پای شبیه‌خوان خاطی به او تذکر داده می‌شد.<sup>(۱)</sup>

بدین ترتیب چنانکه اشاره شد وظایف شبیه‌گردان در ارتباط با شبیه‌خوانان در زمان اجرانیز ادامه دارد. اگر شبیه‌خوانی در روی صحنه نقش خویش را فراموش بنماید شبیه‌گردان همچون "سوفلور" در تئاتر فرنگی برای یادآوری به وی یاری می‌رساند و برای ابن منظور نسخه دیگری از فرد شبیه‌خوانان را همراه دارد تا در صورت لزوم به آنان کمک نموده، نوبت‌شدن را تذکر دهد و با نظارت عالیه خویش در برگزاری مجلس صحت و سلامت کامل بکوشد.

شبیه‌گردان، "بچه‌خوان"ها را در روی صحنه آشکارا هدایت نموده و همراهی‌شان می‌کند، وی در صورت نیاز در یک از شبیه‌خوانان به وسیله‌ای آن را به ایشان می‌رساند و همچنین در صورت احتیاج به تغییر لباس کهکشان می‌کند. به طور مثال به آنهاکن می‌پوشاند، شمشیر به دست‌شان می‌دهد، جای خواب‌شان را آماده می‌کند و..... ضمن آن که آرایش سیاهی لشکر در مجالس بزم و رزم و رهبری آنها در روی صحنه نیز بر عهده اوست.

شبیه‌گردان و گروه موسیقی (توزیک)

یکی دیگر از وظایف شبیه‌گردان در روی صحنه رهبری گروه موسیقی است. می‌دانیم که موسیقی در تعزیه نقش به سزایی دارد و بجز آوازهایی که موافق خوانان ابیات و مکالمات خویش را از طریق آن ارائه می‌نمایند به صورت سازی، متشکل از سازهایی چون دهل، طبل ریز، شیپور و نی و... نیز در مجلس شبیه‌خوانی حضور می‌یابد و از موسیقی نواخته شده توسط سازجایی فوق‌الذکر به چند منظور استفاده می‌شود: ۱- نواختن "پیش‌درآمد" آوازهایی که تعزیه‌خوانان می‌خوانند.

۲- همراهی با آواز آنان البته بسیار محدود مثلاً همراهی نی با آواز دشتی چوپانان در مجلس "طقلان مسلم" و یا سایر لحظات سوزناک.

۳- ساختن فضای مورد احتیاج مجلس به ویژه در جنگ‌ها، مواقع اندوه و زمان طی

مسافت‌ها برای نشان دادن فاصله‌های زمانی و مکانی. هدایت گروه موسیقی نیز چون سایر عناصر مجلس بر عهده تعزیه‌گردان است و با اشارات اوست که آنان کار خود را آغاز کرده و یا به پایان می‌رسانند، مثلاً در این مورد چنان که استاد هاشم فیاض در شرح مشاهدات خود می‌گویند در "تکیه دولت" قراردادهائی بین معین‌البکاء و گروه موزیک وضع گردیده بود که طبق آنها نوازندگان با توجه به اشارات معین‌البکاء به تغییر هُنگ و در نتیجه به تغییر حال و هوای مجلس می‌پرداختند برخی از این اشارات عبارت بودند از:

- تکان دادن دو انگشت سیابه و میانی به طور متقاطع برای "آهنگ عزا" مثلاً در صحنه‌های زدن طفلان مسلم با ترکه توسط شبیه حارث یا ترکه زدن بر بدن شبیه علی‌اکبر در صحنه پیش از شهادت توسط شمر و قتی‌او بر زمین افتاده است.

- تکان دادن دست از میچ با ضرب‌آهنگی تند برای "آهنگ نبردما".

- تکان دادن دست از میچ با ضرب‌آهنگی آرام برای "آهنگ شوق" (ساروش) در هنگام ورود مخالفین.

- تکان دادن سه انگشت میانی به طور متقاطع برای "آهنگ ویژه مجالس باده‌نوشی" (آهنگی سه ضرب).

و البته بی‌شک چنین قراردادهایی در مجالس شبیه‌خوانی سایر مناطق، با تغییراتی در شکل نشانه‌ها، رواج داشته است. ضمناً شایان ذکر است که اعضای گروه موسیقی تعزیه معمولاً خود از کودکی در کنار مجالس تعزیه تربیت یافته‌اند<sup>(۱)</sup> و به خوبی بر دقایق و ظرایف موسیقایی این مجالس مسلط‌اند، و در واقع تعزیه‌گردان در ارتباط با آنها بیشتر نقش هماهنگ‌کننده با گروه اجرا را ایفا می‌نماید.

۱- اصولاً تمام اجراکنندگان یک مجلس تعزیه (به جز تماشاگران و سیاهی‌لشگرها که البته آنها نیز از کودکی با تعزیه آشنا هستند) کار خویش را ز کودکی می‌آغازند به طوری که حتی در گروه‌های نیمه حرفه‌ای نیز این مهارت از پدر به پسر می‌رسد، در چندک در اینجا انگیزه‌ها بیشتر معنوی است نه مادی.



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

## شبه گردان و صحنه‌آرایی

از دیگر وظایف تعزیه‌گردان، که با تجربه‌ترین عضو گروه نیز هست، یکی هم آماده کردن صحنه برای اجرای تعزیه است. «صادق همایونی» در این مورد می‌نویسد: «معمولاً تعزیه‌گردانان با همه زوایای روحی تماشاگران آشنا بودند و عطش مذهبی و ذوقی آنان را در تعزیه درمی‌یافتند و فرو می‌نشانند و با شکردهای جالبی کار خو: را به سامان می‌رساندند. صحنه‌آرایی را خوب می‌دانستند. مثلاً در تعزیه‌هایی که لازم بوده است از زمین آب یا خون بجوشد مشکلی را پر از آب یا ماده‌ای قرمز رنگ کرده زیر خاک کف میدان یا محل تعزیه‌خوانی پنهان می‌کردند به نحوی که چون نیزه در آن فرو رود، مشک سوراخ شود و آب یا ماده قرمز فوران کند.»<sup>(۱)</sup>

همانطور که قبلاً نیز گفته شد شبه‌خوانی اصراً نمایشی است که بر اساس قراردادهای خاصی اجرا می‌شود، قراردادهایی که در صحنه‌آرایی نیز خود را نشان می‌دهند. و بنابراین در آن هیچگونه اصراری در نزدیکی به واقعیت و طبیعی جلوه نمودن نیست چنان که تنها با چند شاخه می‌توان باغی را به تصویر کشید (مجلس تعزیه امام رضا(ع)) یا با تشتی آب "فراش" را مجسم کرد (مجلس شهادت حضرت عباس(ع)). هر چند باید یادآور شد که گاه‌گاهی نیز برای زیباتر نمودن صحنه از ترفندهایی هوشمندانه استفاده می‌شود که خود بیانگر این واقعیتند که استفاده از عوامل قراردادی به علت ضعف تکنیکی نیست و ریشه در فلسفه این گونه نمایش و پرمیز آن از طبیعی‌نمایی دارد. از جمله این ترفندها می‌توان به مواردی چون، به کار بردن خنجری که از شیارهای تعبیه شده در آن مایعی سرخ رنگ سرازیر می‌گردد (صحنه سر بردن طفلان در مجلس شهادت طفلان مسلم)، یا پاشیده شدن مایعی سرخ رنگ بر اثر ضربه بر روی تختهٔ پیشخوان مغازه قصابی که در آن محفظه‌ای جاسازی شده‌ست در (مجلس جوانمرد قصاب) و یا استفاده از تخم مرغ پر شده از

ماح قرمز رنگ در هنگام زخم زدن در درگیری‌ها برای ایجاد جلوه پاشیده شدن خون بر کفن، که شبیه خوانان حرفه‌ای آن را با تبحر خاصی به کار می‌برند.

همه این ترفندها و آرایش‌های صحنه‌ای توسط شبیه‌گردان ترتیب داده می‌شود و همچون موارد پیشین - در ارتباط با نقشی که در قبال سایر عوامل مجلس دارد و قبلاً به آن اشاره شد - در تغییر صحنه‌ها نیز عنصر اصلی است البته در مجالس با شکوه و در دوران اوج تعزیه در تکیه دولت و تکایای تحت حمایت اشراف، اعمالی از این قبیل، راوی با کمک دستیارش، که به تبعیت از لقب کاظم پسر میرزاباقر معین‌البکاء "ناظم‌البکاء" نیز خوانده می‌شود و شخص دیگری که اصطلاحاً "نعش ساز" خوانده می‌شده است و وظیفه اصلی او ایجاد افکت‌های صحنه‌ای بوده و معمولاً از میان صاحبان حرف و صنایع انتخاب می‌شده است، برای آماده کردن صحنه و تغییر آن انجام می‌داده است.

شبیه‌گردان در زمین صحنه‌آرایی با توجه به امکانات موجود در احتیاجات صحنه و با رعایت اصل "مینی مایسم" و ایجاز که از اصول اساسی در احرای این نمایش ایرانی است. عمل نموده و یکی از نمودهای خلاقیت و هنرمندی شبیه‌گردان که وی را از دیگر همقطارانش متمایز می‌سازد، در همین سلیقه او در استفاده خلاقانه‌اش از امکانات موجود به نحو احسن و همراه با رعایت قراردادهای مقدس شبیه‌خوانی است. به طور مثال می‌توان به شگرد ساختن گوزی که از آن آتش برمی‌خیزد در مجلس عاق والدین توسط هاشم فیاض تعزیه‌گردان پیش‌کسوت معاصر اشاره کرد که او آن را با استفاده از دیگ بزرگی که به دور دهنه‌اش نخ نسوز بسته شده و به دور آن نفت ریخته‌اند، می‌سازد جالب است که او حتی برای ساختن "تور خولی" در مجلس ورود کاروان اسرا به کوفه نیز از این ترفند استفاده نموده است در حالیکه طبق روایات تاریخی "خولی" رأس منور "امام" را در میان خاکستر نهاده بود و آقای فیاض طبق گفته خود تنها برای گرفتن "گریه بیشتر" که هدف اصلی هر "معین‌البکائی" است به این کار دست یازیده و سر معصومی را میان تور آتشین

اشقیاء، مجسم می سازد<sup>(۱)</sup>

شبهه گردان در جایی با یک گلدان و در جایی با چند شاخه درخت می تواند باغی را نشان دهد "صحنه باغبان در مجلس شهادت امام رضا(ع)" یا صحنه باغ در "مجلس خسرو جمشید" و درجایی با لیوانی پلاستیکی مجلس بزمی را مجسم سازد با پیاله‌ای سفالین و کوزه‌های بلورین صحنه‌اش را بیاراید، شبهه گردان در جایی با پرده‌ای دو اتاق مجزا را مجسم می سازد "صحنه حضور ابن زیاد در منزل هانی از مجلس شهادت مسلم" و در جایی دیگر می تواند همین صحنه را با دو تن از سپاهی لشگرهایش که دستان‌شان را به همدیگر گره زده‌اند ترسیم کند و در مجلسی دیگر برای نمایش - یواری سست از ترفند چیدن چند آجر بر روی هم بهره جوید (مجلس شهادت شاه چراغ، صحنه آوار کردن دیوار بر سر شبهه شاه چراغ توسط اشقیاء).

#### شبهه گردان و تماشاگران

چنان که می دانیم تماشاگران یکی از ارکان اصلی مجالس تعزیه به شمار می آیند که بدون حضور فعال‌شان مجلس از معنای خویش تهی خواهد گشت، در واقع شبهه خوانی مراسمی است که تمامی اهل مجلس در اجرای آن "شریک" است. و در زمره نمایش‌هایی قرار می گیرد که تماشاگر آن نه یک مخاطب غیر فعال و اصطلاحاً "تماشاگر شاهد" که تماشاگری فعال یا "تماشاگری شریک" است که در اجرا دخالت می نماید و بر آن تأثیر می نهد، نقش تماشاگران شبهه خوانی چنان اهمیتی دارد که "چرلی" در موردش می نویسد: (برای تمام کسانی که فرصت و مجال تماشای تعزیه را داشته‌اند، نمایش حقیقی که از لحاظ عاطفی شگفت‌انگیز و نظرگیر است و در عین حال چشم‌انداز جالب توجهی به مسأله تاریخی (تعزیه) می‌گشاید، منظره تماشاگران است، بی‌مبالغه می‌توان گفت که حقیقتاً حضاری وجود ندارند. زیرا آنان که شاهد درام‌اند، مستقیماً در آن شرکت می‌جویند، نخست ترتیبی می‌دهند که حضار دورادور مکان خالی صحنه نمایش بنشینند. پیش از شروع نمایش اداره‌کننده

نمایش به یاد نشنگی امام حسین (ع) در صحرای کربلا با قاشقی بزرگ بر جامی آهنین که در برابر جایگاه حضار نهاده شده، آب در جام ریخته و به همه تماشاگران آب می‌نوشاند.... مشارکت حضار ما را به ریشه‌های تئاتر رهنمون می‌شود و حقیقت آن که نمایش (تعزیه) سرشار از معانی و ارزش‌های تاریخی است»<sup>(۱)</sup>

و به دلایل فوق است که قسمتی از مهمترین وظایف شبیه‌گردان مربوط به ارتباط او با تماشاگران می‌شود. این وظایف به ترتیب عبارتند از: ۱- شبیه‌گردان و دستیارش قبل از هر چیز موظفند تماشاگران را برگرد سکوی تعزیه، به شکلی که مزاحم بازی شبیه‌خوانان ننوند، جای دهند.

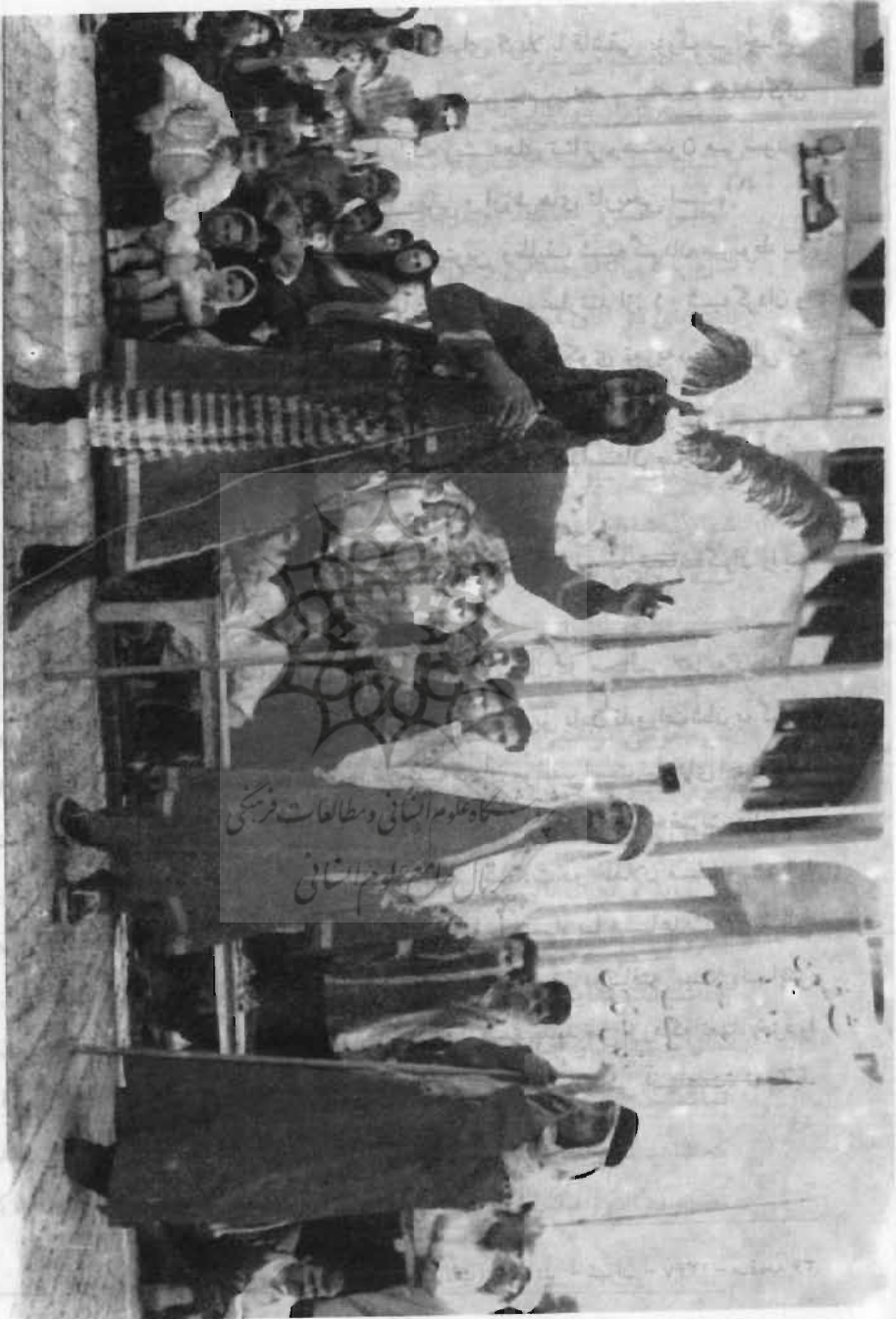
۲- قبل از اجرا آنچنان که قبلاً نیز ذکر شد شبیه‌گردان داستان مجلس را برای تماشاگران توضیح داده و تفسیر می‌کند.

۳- در هنگام نوحه‌خوانی‌ها، شبیه‌گردان با تکرار "واگیر" نوحه تماشاگران را به همراهی فرا می‌خواند.

۴- چنانچه گفته شد تماشاگران همواره حضوری فعال در مجالس تعزیه دارند و یکی از نمودهای فعالیت آنان نیز کمک‌های آنان از طریق دادن نذورات‌شان به گروه، برای اجرای مجلس است که در اینجا نیز شبیه‌گردان موظف است نیازهای اجرا، نظیر پارچه برای لباس‌ها و پرچم‌ها، یا مثلاً گل برای مجالس شهادت حضرت قاسم و حضرت علی‌اکبر و غذا برای حارث در مجلس شهادت دو طفلان مسلم و.... را با تماشاگران در میان نهاده و این قبیل کمک‌ها را همراه با مساعدت‌های مالی تماشاگران جمع‌آوری نماید. در واقع همچنان که "بیمن" دریافته است: «نمایش تعزیه از نظر مراسم و شعائر برای تماشاگران فرصت پدید می‌آورد که تعهد خود را نسبت به امری عقیدتی و مذهبی که فعلاً جزء لاینفک زندگی آنهاست، تجدید نمایند»<sup>(۲)</sup>

۱- جلال سناری - "نمایش در شرق" (مجموعه مقالات) - نمایش - تهران - ۱۳۶۷ - صفحه ۳۶.

۲- تعزیه هنر بومی پیشرو ایران - صفحه ۵۵.



سکاه علوم الشافعی و مطالعات فرهنگی  
پرنال افغانستان الشافعی

سکاه علوم الشافعی و مطالعات فرهنگی پرنال افغانستان الشافعی



مؤخره

ز مجموعه آنچه در بخش‌های پیشین به آن اشاره شد نتیجه می‌گیریم که در واقع "شبیه‌گردان" کاری را انجام می‌دهد که در تئاتر غربی بر عهده افراد مختلفی با تخصص‌ها و مهارت‌های ویژه از جمله: مدیر تدارکات، مدیر صحنه، طراح صحنه، جامه‌داران، کارگردان، سرپرست و مدیر گروه، و مسئولین انتظامات و کارگران صحنه است.

"تعزیه‌گردان" نیز چون کارگردان در تئاتر غرب باید مدیر، مدبر، معلم و هنرمندی خلاق باشد اما با این تفاوت که وی مجبور به رعایت قراردادهائی از پیش تعیین شده است که تخطی از آنها گناهی بزرگ به شمار می‌آید و در ضمن هیچگاه ذهنیات و تمایلات شخصی خود را - به دلیل مقدس بودن مجلسی که وی اداره کننده آن است - بر متن و اجرا تحمیل نمی‌سازد. او تا حد امکان سعی در هرچه پاکیزه برگزار شدن مجلس و نزدیک‌تر کردن آن به روح مقدسش دارد تا سرانجام فضایی که غریبه و آشنا را محسوس می‌سازد از دل اجرایی ساده، صمیمانه، و بی‌تکلف سر بر آورد.

«... ناگهان صدای شیپورهای بزرگ در فضا طنین انداز می‌شود. آهنگهای این پیش درآمد که با آلات موسیقی بسیار بزرگ و قدیمی اجرا می‌گردد با صدای چند تریبک توأم گردیده و آهنگی گوشخراش بوجود می‌آورند که نشانه آغاز نمایش است. این آهنگهای پر سروصدا که از دیوارهای بلند تکیه تجاوز کرده و به دورترین نقطه شهر می‌رسد مؤمنان را از آغاز شدن تعزیه آگاه می‌کند. در این موقع موعظه‌گر سخنش را ناتمام می‌گذارد و از منبر پائین می‌آید. مدیر نمایش که در عین حال درگردن و سوفلور نیز هست و هیچگاه سکو را ترک نمی‌کند آخرین دستور صحنه‌آرایی را داده و بازیگران دست دوم و فرعی را در جای خود قرار می‌دهد و آخرین تذکرات خویش را به بازیگرانی که باید وارد صحنه شوند می‌دهد. در این موقع قلیانها که بین تماشاگران دست به دست می‌شد به وسیله قلیانچی جمع می‌شوند. سقایان و فروشندگان تنقلات کار خود را تعطیل می‌کنند. فراشان نیز

چوبدستی‌ها را کنار می‌گذارند و سر انجام سکوت مطلق حکمفرما و تعزیه آغاز می‌گردد.....» (۱)

### منابع و مأخذ:

- ۱- بیضایی، بهرام - "نمایش در ایران" - ۱۳۴۳.
- ۲- چلکروسکی، بیتر (گردآورنده) - "تعزیه هنرومی و پیشرو ایران" - دارود حاتمی - شرکت انتشارات علمی و فرهنگی - تهران - ۱۳۶۷.
- ۳- ستاری، جلال (مؤلف و مترجم) - "نمایش در شرق (مجموعه مقالات) - نمایش - تهران - ۱۳۶۷.
- ۴- شهیدی، عنایت‌الله - "پژوهش در تعزیه و تعزیه‌خوانی از آغاز تا پایان دوره قاجار در تهران" - دفتر پژوهش‌های فرهنگی با همکاری کمیسیون ملی یونسکو در ایران - تهران - ۱۳۸۰.
- ۵- ناصریخت، محمدحسین - "سی روز، سی تعزیه" (مجموعه گزارش تعزیه‌های اجراشده در تابستان سال ۱۳۶۹ در تالار محراب) - آرشیو نگارنده.
- ۶- ناصریخت، محمدحسین - «مصاحبه با استاد هاشم فیاض» زمستان ۱۳۸۰ - آرشیو نگارنده.
- ۷- همایونی، صادق - "تعزیه در ایران" - نوید تبراز - ۱۳۶۸.
- ۸- هولش، اورلی - "مقدمه بر تئاتر آئینه طبیعت" - محبویه مهاجر - سروش - تهران - ۱۳۶۴.
- ۹- فصلنامه تناثر شماره‌های ۸-۶ - نمایش - تابستان، پاییز، زمستان - ۱۳۶۸.
- ۱۰- فصلنامه تناثر شماره ۱۴ - نمایش - تابستان ۱۳۷۰.

۱- تعزیه در ایران - صفحه ۹ (نقل از: کارلا سربنا - "مردم و دیدنی‌های ایران" - غلامرضا سمیعی

پیشینه تعزیه خوانی و شکل گیری امروزی آن

تعزیه خوانی در میان اعراب بنی طرف ششمه حمله شیروانشان که شامل

خزیره های بسیاری در قادیان به صورتی مرسوم تهاور عاشق و دلدار می شده است

## تعزیه خوانی اعراب بنی طرف در اهواز

ساعت بیرون بخارنگی یا تعزیه خوانی اشراقی داشتند در روز عاشق را در کدام قسمی

بر میخورد می گرفته و به اجرا می بردند و در آن روز به حضور می نشستند که عز

و مستی نسبی می نشاندند و در آن روز به تعزیه خوانی می پرداختند و در آن روز

روز عاشق و ایشان بود که این روز را در آن روز عاشق و ایشان بود که این

است از رویه حر خاطر های آن روز عاشق و ایشان بود که این است از رویه

به گذشته زمان بودن تعزیه خوانی در اهواز از سواد آنها پراکندهگی بین

عشیرتها و طایفه ها شهرتین شده بسیاری از آنان به اجرات عاشقان به شهرهای

بزرگتر با شیخ نصیرها و پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی در این امر بی تألیف نبوده

### رتال جامع علوم انسانی

شبهه تعزیه خوانی امروزی در اهواز در ماه محرم و رجب است صادق همایونی

است گذشته دین آهلیت را این تعزیه و گسترش شیخه علاقه باطنی است که با

بوجه به خاطره یاد اشیا از آن به به احیاء آن بر نماندند که از جمله آنان عبدالامیر

کوثری است که خود هم با آن استاد و هم تعزیه گردان و هم تعزیه خوانی که در این حال

از مهارتی در شورایی بهره نیستند حتی گفتمی است که بیشتر اسباب و ادوات و آلات

### پیشینه تعزیه خوانی و شکل گیری امروزی آن

تعزیه خوانی در میان اعراب بنی طرف شیعه خطه خوزستان که شامل عشیره های بسیارند در قدیم به صورتی ساده و تنها روز عاشورا برگزار می شده است. تعزیه خوانان حرفه ای نبوده اند و از نظر ثواب و بهره بری از برکات آن افرادی که بنا بر سنت دیرین خانوادگی با تعزیه خوانی آشنائی داشتند در روز عاشورا هر کدام نقشی برعهده می گرفته و به اجرا می پرداختند. آنان به ویژه به حضور شیر (کسی که در پوست شیر می رفت) و به نقش شیر اهمیت فراوان می دادند و شیر از ارکان تعزیه روز عاشورایشان بود که این خود نشانی از استمرار آن و تا حدی ریشه دار بودنش است. امروزه جز خاطره ای از آن در اذهان پیرمردانی چون صالح کوتی باقی نیست. چه گذشت زمان، مردن تعزیه خوانان، ممانعت ها و مزاحمتها، پراکندگی بین عشیره ها و طایفه ها، شهرنشین شدن بسیاری از آنان، مهاجرت هایشان به شهرهای بزرگ یا شیخ نشین ها و بالاخص اقامتشان در شهر اهواز در این امر بی تأثیر نبوده است.

شیوه تعزیه خوانی امروزی در دو دهه اخیر باب و رایج شده که قطعاً بر پایه سنت گذشته دیرین آنهاست و این نصیح و گسترش نتیجه علاقه بانیانی است که با توجه به خاطره پدرانشان از تعزیه به احیاء آن پرداخته اند که از جمله آنان عبدالامیر کوتی است که خود هم بانی است و هم تعزیه گردان و هم تعزیه خوان که در عین حال از مهارتی در خور بی بهره نیست. حتی گفتنی است که بیشتر اسباب و ادوات و آلات

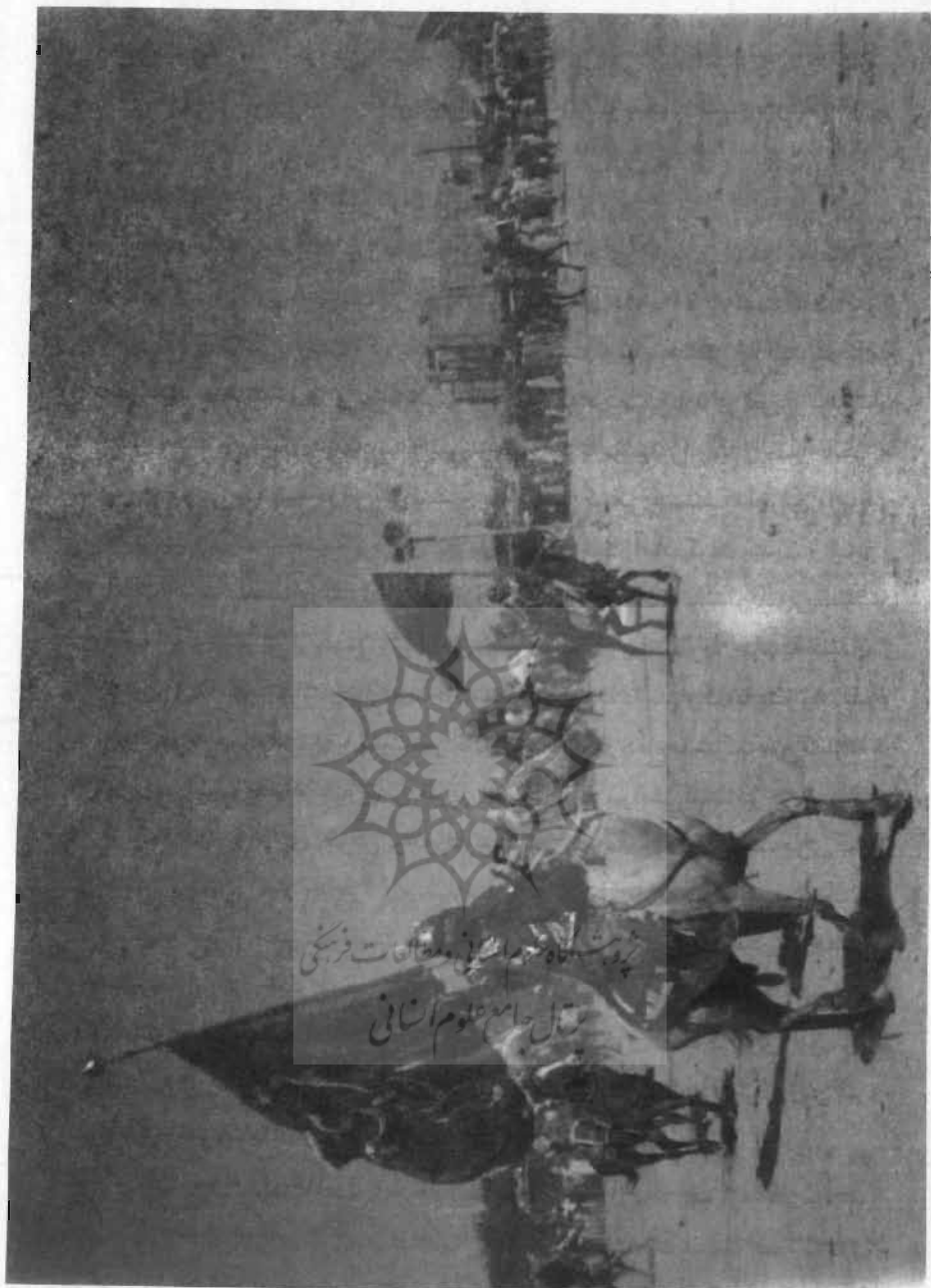
و ابزار تعزیه خوانی را که کم هم نیست، همین شخص با همکاری دو سه تن دیگر تهیه و خریداری کرده است و به قول خودش فقط عشق به این سنت موجب این کارها بوده.

### ابزار و وسائل

ابزار تعزیه خوانی که کلاً در روز عاشورا که تنها روز برگزاری تعزیه در طول سال است مورد استفاده قرار می گیرند، عبارتند از: سپر (چند عدد) - شمشیر (چندین قبضه) - کلاه خود (چند عدد) - زره پوشش (چند عدد) (که این دو را از اصفهان و تهران خریداری می کنند) - نیزه و کمان (دست ساز خودشان) - چوب برای زدن به اهلبیت (چند عدد که یا از مقواهای لوله وسط طاقه های قماش سود می جویند یا چند عددی را به هم می بندند) - علم یا پارچه های قرمز، زرد، آبی، سبز، بنفش، که در اطراف یوان نصب می شود و بسیاری از آنها هم ضمن تعزیه خوانی به وسیله تعزیه خوانان یا لشکریان حمل می شود - علم های مشکی با عبارات یا ابوالفضل، یا حسین، با طرح خیمه و خرگاه و مشک آب (به تعداد زیاد) - مشک آب (یک عدد) - ظرف آب خوری به صورت کاسه چهل بسم الله (یک عدد) - چکمه (تعدادی) - چادر مجلل و رنگین (دو عدد) - چادر ساده و سیاه (چند عدد) - میز (یک عدد) - صندلی (چند عدد) - شال گردن سبز (تعدادی) - بلندگو (حداقل دو عدد) - اسب (چند رأس) - شتر (چند نفر) - خنجر (چند عدد)، تخت و پستی و بالش و فرش.

### لباس

لباس فرمز (شامل پیراهن قرمز نیم تنه که تا پشت زانو می رسد و شلوارهای پیژاما شکل از همان رنگ با تزئین لبه های پیراهن و دم پاچه شلوار، چند دست - لباس مشکی، برای اهلبیت به صورت (روپوش و چادر و چاقچور با روبنده و پیشانی بند سبز) - لباس سبز به صورت قبای بلند با شال برای حسینان (چند دست) - لباس بنفش (برای اشقیاء دو یا سه دست) - لباس سفید (برای یاوران امام حسین نظیر طایفه بنی اسد) - شال و سریند سبز (برای یاران امام).



پروفیسر شاہ محمد اسحاقی اور ان کے ساتھیوں کی فرہنگی  
 سہیل جامعہ علوم انسانی

پروفیسر شاہ محمد اسحاقی اور ان کے ساتھیوں کی فرہنگی سہیل جامعہ علوم انسانی

## موسیقی

دمام - سنج - نقره - طبل بزرگ - ساز دهنی کوچک - شیپور بزرگ.

## تعداد تعزیه‌خوانان و نقش‌داران مراسم

تعداد تعزیه‌خوانان روز عاشورا که تنها روز اجرای تعزیه و آن هم به صورت کامل و در بردارنده حوادث تاریخی آن روز است در حدود ۹۰ نفر است که ۷۵ نفر از آنان نقش اساسی دارند که گاه یک نفر ممکن است دو یا سه نقش ایفا کند. دو یا سه نفر از آنان مرثیه‌خوان و نوحه‌خوان و ذاکرند که در ضمن اجرای تعزیه به اشاره تعزیه‌خوان در هنگام شهادت یا پس از شهادت یا در ضمن وداع و خداحافظی‌ها نوحه‌خوانی یا مرثیه‌خوانی می‌کنند و بقیه شامل کسانی هستند که اجرای موسیقی را برعهده دارند یا خدمهٔ برگزاری تعزیه‌اند که از حیث آماده کردن میدان و ابزار و آلات حرب، نصب و کنترل و اداره برق محوطه و میدان و بلندگوها، برپا داشتن خیمه‌ها و پذیرائی از مردم یا برقراری نظم محوطه و خطوط حاشیهٔ میدان و جلوگیری از نفوذ تماشاچیان به داخل میدان را برعهده دارند. و گاه به صورت لشکر یزیدیان به همراه آنان و یا پشت سر آنان در حملات و دفاع‌ها شرکت می‌کنند که در این صورت تا حد امکان، لباس قرمز اشقیاء را در بر می‌کنند. نوحه‌خوانان و مرثیه‌خوانان از آوازی خوش برخوردارند، کمتر کسی است که در صحرای کربلا حاضر بوده و از او و خاطرۀ او و شهادت او به نحوی یاد نشود مانند فرزندان امام حسن به غیر از حضرت قاسم، نظیر ابوبکر و عبدالله یا برادران مادری حضرت عباس به اسامی جعفر و عثمان و عبدالله و حتی خواهران دیگر امام حسین به استثنای حضرت زینب. نکته قابل توجه جبران‌گرایی فوق‌العادهٔ برگزاری این مراسم است که تعزیه‌خوانان ده دوازده‌ساله تا بیست و یکی در ساله در میان این گروه زیادند و تعزیه‌خوانان زبده و با تجربه در میان‌شان انگشت شمارند.

نقش‌داران تعزیه روز عاشورا عبارتند از: حبیب بن مظاهر اسدی - زهیر بن قین - بُریر بن خضیر همدانی - خربن یزید ریاحی - مُکیر فرزند حُر بن ریاحی - مسلم بن عوسجه - وهب بن نصرانی - جون غلام امام - عمر بن جناب النزاری - ابوالشعار - شوزب - دو برادر غفاری - سعید بن مَرّه - عابس ساکری - ابوتمام صیدی

(مؤذن) - اسلم اتوکی - الطرماع - نافع بن هلال - سهل بن سعد - علی برادر حبیب - حنظله بن اسعد شامی - ابوالفضل العباس - علی اکبر - قاسم بن الحسن - عبدالله و محمد و عبدالرحمن فرزندان مسلم - عبدالله فرزند عقیل - عون و احمد و ابوبکر فرزندان جعفر طیار - چهار تن برادر دیگر امام حسین - چهار تن برادران حضرت عباس - دو طفل مسلم - ۶ تن خواهران امام حسین - عمر بن سعد - شمیر بن ذی الجوشن - خویل بن یزید - بکر بن غانم - سنان بن انس - بکیر بن بکر بن غانم - الحصین بن نمیر - زید بن الحارث - عمر بن الحجاج الزبیدی - حرمله بن کاهر - عروة ابن القیس - قیس بن بکر بن غانم - قیس ابن الأشعث - حکیم بن الطفیل - الارزق لشامی - زبد بن الرقاد - ابوالمحتوف الجحفی - شیث بن ربیع - زجر بن بدر.

#### تعزیه خوانان مجرب

عبد الامیر کوتی تعزیه گردان - محمد چامه (مشعلی) - عبدالزهرا (جبار) کاروان لطفی - حسن عبیات - ناصر زبیدی.

#### متن و مأخذ تعزیه

تعزیه خوانان برای خواندن تعزیه نسخه‌ای در دست ندارند و اجرای آنها بر مبنای متن کتب مقاتلی است که از بر کرده‌اند و با این وصف به صورت شعر نیست، البته مساحانی در اول متن و آخر تعزیه به آهنگی پر سوز و گداز، اشعاری می‌خوانند که بی‌ارتباط با حادثه‌ای که رخ داده است نیست. رایج‌ترین کتاب مأخذ "مقتل الحسین"، یا "وقعة الطف ابو مخنف" است که هم دارای متن عربی و هم ترجمه روان فارسی است<sup>(۱)</sup> و «تنها ترجمه یک متن نیست بلکه مجموعه‌ایست از متن عربی و ترجمه

۱- ابو محمد لوط بن یحیی بن سعید از بزرگان اصحاب بوده و کتب بسیاری تألیف کرده از جمله کتاب مقتل الحسین که علماء از آن بسیار نقل کرده‌اند و اکثر، بلکه گاهی منقولات تاریخ طبری در مقتل این مخنف گرفته شد، است. به نقل از نفس المهموم، مقتل سالار شهیدان - ترجمه و متن کامل مقتل الحسین ابو مخنف - نگارش علی محمد موسوی جزائری - انتشارات بنی الزهراء قم -



فارسی. کتاب "وقعة الطف" یا "مقتل الحسین" ابی مخنف ازدی به نقل از کتاب تاریخ طبری به ضمیمه اضافات و مکملاتی برگزیده از دیگر مقاتل مقبره<sup>(۱)</sup>، ابومخنف در سال ۱۵۷ ه.ق. درگذشته و در مقدمه آن کتاب بیان نده که از آن جا که مقتل الحسین ابومخنف در عین اعتبار کامل مختصر و ناقص بود، این کاستی در این ترجمه با استفاده از مقاتل معتبر با ذکر مأخذ هم در عربی و هم در ترجمه فارسی در حدی جبران و تکمیل گردید<sup>(۲)</sup>.

در این کتاب همه حوادث از زمان وصیت و مرگ معاویه تا پایان ماجرای روز عاشورا و انتشار خبر شهادت امام حسین(ع) در مدینه آمده است. بنابراین تعزیه خوانی اینان نمی تواند جز به صورت نثر انجام گیرد و همانطور که یادآوری شد کمتر شعری در متن گفتگوها مشاهده می شود و در نتیجه خواندن در دستگاهها و مقام های ایرانی مفهومی ندارد. تعزیه خوانی آنان به صورت نمایش حوادثی است که به دنبال هم در کربلا رخ داده و گفتگوهای که صورت پذیرفته، بنابراین خیال پردازی که از ارکان هنر است در آن کمتر جای دارد. البته به قول تعزیه خوانان گاه بعضی از قسمتهای حوادث به وسیله شعرای محلی به صورت شعر درآورده شده که کم و بیش از آن سود می جویند ولی عمومیت ندارد. اینان بعد از بر کردن متن به تمرین دیالوگی می پردازند. در صحنه آرائی ها، جنگها، حمله ها، نحوه گفتگوها و به ویژه انتخاب پوشش و لباس و آهنگهایی که در هنگام جنگ یا پس از سرنوشتی شهدی از اسب رخ می دهد و به ویژه در هنگام ودع شور و هیجان و اضطراب خاصی در بیننده ایجاد می کنند. رجز خوانی یزیدیان با صدای بلند و محکم و اشتلم و حرکت شدید در میدان به همراه خیل سپاهیان و تکان دادن شدید شمشیر صورت می گیرد که گاه با اسب سواری و دویدن توأم است و پاسخ حسینان با صدای رسا و سوزناکی است که حس رقت عجیبی در انسان ایجاد می کند.

۱۳۷۸ - مقدمه ص ۶.

۱ - همداک مأخذ، ص ۵

۲ - همداک مأخذ، ص ۷

۱- تمرین: بین بیست روز تا یک ماه قبل از عانورا این تعمیر خوانان تمرینات خود را زیر نظر تعمیر گردان آغاز می کنند. این تمرینات بیشتر در محلی به نام لشکرآباد، یا در منزل تعمیر گردان که عبدالامیر کوتی است صورت می گیرد و چندین روز ادامه پیدا می کند و بالاخره در شب هفتم ماه محرم در نقطه ثابتی از خیابان مستر می شوند و تعمیر ابوالفضل العباس (ع) را می خوانند. در شب هشتم تعمیر قاسم را و در شب نهم تعمیر علی اکبر را، و اجرای کامل تعمیر به صبح روز عاشورا موکول می شود. البته ممکن است از جانب گروهی در شب عاشورا هم تعمیر خوانی شود که سوای اینانند.

۲- آرایش میدان: برای اجرای تعمیر در روز عاشورا میدانی بزرگ و وسیع را که در آن امکان جولان اسب، تاخت و تاز، جنگ و گریز، بر خاک افتادن چند نقش و دنبال کردن یکدیگر را با اسب یا پیاده و به صورت دویدن وجود داشته باشد، برمیگزینند. اطراف آنرا علمهای پارچه‌ای، پایه‌های محکم و بلند که هر کدام از آنها پارچه‌شان قرمز یا سفید یا زرد یا سبز است نصب می کنند که وزش باد در آنها منظره‌ای زیبا به میدان می بخشد. یزیدیان در یک سمت میدان قرار دارند با خیمه و خرگه پرشکوه و زیبا و میز و صندلی و فرش و تخت و مخده و حسینیان در سوی دیگر که در چند چادر ساده، سیاه و بی پیرایه که با کف پوش‌های ساده مفروش شده‌اند و پرچم سبز در کنارشان برافراشته است. تعدد چند رأس اسب که بعضی به گردنشان شال سبز آویخته شده در پشت خیمه‌ها طرفین مستقرند. کسانی که اجرای موسیقی را بر عهده دارند، در بالای میدان قرار دارند با طبل، سنج، دمام، ساز و شیپور و نوحه خوانان و مرثیه خوانان نیز در کنار هم اینانند. در میان سپاهیان یزیدی پرچم‌های قرمزی آماده حمل به وسیله لشکریان است و در کنار چادر حسینیان پرچم‌های سیاه با نقش‌های علی اکبر، یا ابوالفضل، یا "ان الحسین مصباح الهدی و سفینه النجاة" و با مشک و شمشیر و سپر و نخل و نیز پرچم‌های سبز و سفید.

۳- نحوه تعمیر خوانی: تعمیر خوانی از صبح عاشورا در میدان آغاز می شود و به ترتیبی که در کتب مقاتل خاصه، مقتل الحسین ابو مخنف نوشته شده همه ماجرا از



نظر بینندگان می‌گذرد؛ حملات نخستین و "خطبه‌های امام" و "زهیر بن قیس" و "حرین ریاحی" و شهادت کسانی چون "مباهله" و "حبیب بن مظاهر" و "حرین ریاحی" و بسیاری از یاران امام به سرعت نشان داده می‌شود و بالاخره تعزیه‌های "قاسم بن الحسن" و "علی اکبر" و "حضرت عباس" و "برادران مادری وی" و "علی اصغر" و "دو پسر عبدالله جعفر" و نیز عایس و شوزب و "فرزندان دیگر امام حسن" و بالاخره "شهادت امام" انجام می‌گیرد و بعد خیمه‌ها و به آتش کشیدن آنها و به اسارت گرفتن اهل بیت و حرکت دادن آنان به سوی کوفه و بعد از کوفه به شام و "خطبه‌های حضرت زینب" و "حضرت سجاد" و نیز حرکت سرهای بریده بر نیزه در ضمن عزیمت به کوفه و شام و مجالس کوفه.

بحوّه اجرای تعزیه به گونه‌ای است که شهادت امام بعد از نماز ظهر عاشورا صورت می‌پذیرد و اجرای تعزیه خوانی تا ساعت دو، سه بعد از ظهر ادامه می‌یابد. هنگام حمله، نوازندگان موسیقی از آهنگهای تند بدری استفاده می‌کنند و هنگام حرکت دادن جندزدها آرام می‌نوازند. هر کدام از کسانی که به میدان می‌روند پارچه‌ای سفید به صورت کفن به روی لباس خود پوشیده و نام آنها روی آن با رنگ قرمز نوشته شده. یزیدیان نیز از همین نشان استفاده می‌کنند، روی این پارچه‌ها اسامی کسانی که به نبرد پرداخته‌اند و نقشی که ایفا می‌کنند مانند علی اکبر، قاسم، و..... نوشته شده است.

بوزش‌ها از سوی یزیدیان، دسته جمعی و گاه به صورت سواره و پیاده است. تیراندازان در هنگام نبرد با کمانهای ساده دست‌ساز تیرهایی به هوا پرتاب می‌کنند. هر شهیدی که بر خاک می‌افتد پارچه‌ای روی او می‌کشند و بعد او را حمل کرده از صحنه خارج می‌سازند. حسینیان تک تک به میدان می‌روند. رجز می‌خوانند و بعد به جنگ می‌پردازند، گاه برای وداع سری به خیمه‌ها می‌زنند. گفتگوها در هنگام وداع سخت غم‌انگیز و پرسوز و گداز است. علی اکبر(ع) هنگام حرکت به سوی میدان علمداری دارد که علم او را با خود حمل می‌کند. ولی امام حسین(ع) در هنگام جنگ تنهاست و خیل دشمنان انبوه و زیاد و پرشمار. صحنه‌هایی چون آتش زدن خیمه‌ها و غارت و ایداء و آزار به خاندان امام حسین(ع) سخت زنده و هیجان‌آور است. صدای یزیدیان مدام چون رعد در میانه میدان می‌پیچد، و خاطرۀ آنروز غم‌انگیز را

در اذهان بیدارتر و زنده‌تر می‌کند. در طول مجلس از کسانی که در اطراف میدان برای تماشاگرد آمده‌اند با آب سرد و شربت پذیرائی می‌شود که افراد خیر و صاحب نذر و بانیان تعزیه هزینه آنرا می‌پردازند.<sup>(۱)</sup>

شیراز - اردیبهشت ماه ۱۳۸۰



پروپشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی

۱- در تاسوعا و عاشورای سال ۱۳۸۰ در اهواز بودم. بعد از دیدن تعزیه‌خوانی اعراب بنی‌طرف که برایم جالب بود و نخستین باری بود که برگزاری این چنین تعزیه را می‌دیدم با آقای عبدالامیر کونی که خود تعزیه‌گردان و تعزیه‌خوان و از احیاءکنندگان تعزیه در آن خطه‌اند و ننی چند دیگر از آنان نظیر محمد چامه (مشعلی) گفتگوهائی انجام دادم و فیلم و بدثوبی سال‌های پیشین مراسم را دیدم. تعداد زیادی عکس نیز در اختیار من قرار گرفت و این نوشته را مبنای مشاهدات عینی و گفتگوها و عکس‌ها تنظیم شد، با یاد و سپاسگزاری از الطاف همه آنانی که از ابراز محبت دریغ